

نام کتاب: سرمد شد

نویسنده: General کاربر انجمن نودهشتیا

کتابخانه مجازی نودهشتیا

<<[www.98iia.com](http://www.98iia.com)>>



www.98iia.com  
طراح : کوثر بیات



به قلم: General  
سردم شد



سردم شد

میون بارون راه میرم. انقدر سنگین که... شونه هام خمیده به نظر میرسه. بارونی مشکیم به تنم آویزون مونده و من... من بغض کردم.

چشمام پر و خالی میشن. بچه ها میدونید یعنی چی یک شبه سرمایه زندگیو باختن؟

...من... یک شبه باختم. نه قمار کردم. نه هیچ خلافی

به زور خودمو به نیمکتی میرسونم و همونجا می نشینم. بارون هنوز به تندی چند لحظه پیشه. موهای اصلاح نکردم تا روی گردن و صورتتم پایین اومدن. به خاطر خیسی همون طور بی حالت شدن

و من... هنوز احساس میکنم قلبمو تو بیمارستان جا گذاشتم

میدونید بچه ها؟ میدونید یعنی چی یک شبه باختن؟

...من... باختم. یک شبه

...گوشیم زنگ میزنه. اما نمی شنوم، یا شاید نمیخوام که بشنوم! برای بار دوم، سوم،

... من

ذهنم قفل کرده. روی کلمه من. من... اصلا منی دیگه وجود داره؟

«مهراب...مهراب»

مهراب گفتناش چقدر قشنگ بود. مگه نه مهراب؟ صورت خیس از بارونم را حالا چند قطره اشک خیس میکنه. خیالم جمعه، چون کسی فرق خیسی اشک و خیسی بارون را نمیفهمه

دستای افتادمو بالا میگیرم. کف دستام، روی صورتم رو میپوشن. اشک نمی ریزم. کی گفته؟ کی گفته من براش گریه میکنم؟ هان؟ کی گفته؟

ازمزه میکنم: کی گفته؟

ولی انگار لرزش صدام بغضمو عمیق تر میکنه. مثل اینکه وقتشه واسه یه بار هم که شده دروغ نگم. بگذار حالا که آسمون داره گریه میکنه، گریه کنم. بگذار حالا، از حسرت گریه کنم

گوشی دوباره زنگ میخوره... این بار می شنوم. دکمه اتصال را که میزنم، مغزم صدای جدیدی را درک میکنه

مهراب؟ سلام! هیچ معلوم هست کجایی؟! دوساعته یه بند دارم میگیرم، اون وا مونده رو جواب بدی ثواب داره ها-

سلام-

سکوت... و دستی که روی دهان میگیرم. لعنت به نفس های عمیق

مهراب؟! چرا صدات گرفته؟-

هیچی-

...هیچی؟! نکنه واسه-

گفتم هیچی نشده-

واسه هیچی صدات گرفته؟-

به جون مامان چیزی نشده، چرا جو الکی میدی؟-

!من الان میام بیمارستان-

.نمیخواد بیای. من هستم-

.ازت نپرسیدم پیام یا نه! دارم میام. فعلا-

.سرما که به تن آوار بشه...چه زود، چه دیر

.همه قرار نیست همیشه باشن

هیچ چیز همیشگی نیست... حتی مامانت. میدونم سخته. اما تا حالا شده تمرین کنی نبودنش چطوریه؟

!می بینی؟...تو هم سردت شد

«!شنیدم از یه دوستی که می گفت:» چیزی که بعد از فوت عزیزت، دردتو بیشتر میکنه، رفتنش نیست. حسرتشه

.حسرت کارهایی که می تونستی براش بکنی و ...نکردی

..پایان..

۱۷/۱۲/۹۷

۰۰:۰۳

گرافیکست : کوثر بیات

جهت دانلود رمان های بیشتر و عضویت در انجمن به آدرس [www.98iia.com](http://www.98iia.com) مراجعه کنید.

